

## عزیز دلم لبخند بزن

محمد علی حمسی (تهران)

من و بچه‌های کلاس بگی که تو اینواز کجا فهمیدی؟  
شاگرد گفت:

آقا معلم من یک دایی دارم که ۲۴ ساله است و  
بفهمی نفهمی یه کمی ام مشنگ است. ولی چون شما  
دو برابر اون مشنگ هستید، خاطر م جمع شد که سن  
شما ۴۸ سال است.

### رفع گرسنگی

مشتری رستوران در حالی که یک به یک  
انگشنانش را می‌لیسید گارسون را صدا زد و گفت:  
عزیز من، منکه با این غذا به هیچ وجه سیر نشدم!  
تو فکر می‌کنی چه غذایی برایم بیاوری حتما سیر  
خواهم شد؟

گارسون با لبخند معنی داری گفت:

قربان صورت حساب رستوران؟!  
اطمینان داشته باشید که کاملاً اشتهای شما را کور  
می‌کند و دیگر نیازی به غذای دیگه ندارید.

### خانم جانور شناس

خانمی که خود را جانور شناس ماهری می‌دانست  
روزی به اتفاق همسرش به باغ وحشی رفتند و همین  
طور که از یکایک قفس‌های حیوانات دیدن می‌کردند  
قفس حیوانی نظر خانم جانور شناس را جلب کرد و  
با هیجان خاصی به شوهرش گفت:

به بین چه شیر قشنگی است؟! راستی به نظر تو  
اگر این شیر با این هیجانی که ما به او خیره شدیم  
می‌توانست حرف بزند چه می‌گفت؟  
شوهرش با لبخند تمسخر آمیزی گفت:

اگر این شیر می‌توانست حرف بزند فوراً می‌گفت:  
خانم عزیز من پلنگم نه شیر.

### شناخت؟

معلمی در سر کلاس به شاگردانش گفت:  
بچه‌ها درازی این اطاق ۴ متر و پهنای آن ۳ متر  
است. حالا شماها پیدا کنید سن منو.

در حالی که همه محصلین کلاس از صورت مساله  
به کلی گیج شده بودند، یکی از بچه‌ها از جایش بلند  
شد و گفت:

آقا معلم سن شما ۴۸ سال است.

معلم در حالی که به شدت کف می‌زد رو به آن  
شاگرد کرد و گفت:

آفرین، آفرین، آفرین بر تو پسر م. می‌تونی برای



همه کارمندان  
کلف  
بازی کنند

آموزش رایگان  
کلف برای  
کارمندان دولت!

تامین بهداشت  
روان جامعه  
با بازی کلف

